

تحلیلی بر رابطه‌ی ارزش فرزندان و باروری بین زنان تهرانی

محمود مشفق*

سارا غریب عشقی**

چکیده

این مقاله رابطه‌ی بین ارزش فرزندان با میزان باروری بین زنان شهر تهران را بررسی می‌کند. تعداد نمونه حدود ۶۰۰ نفر از زنان متأهل ۲۱ تا ۵۰ ساله‌ی ساکن مناطق ۲۲ گانه شهر تهران است. ۵۷/۲ درصد از افراد مطالعه شده را زنان خانه‌دار، ۳۰/۳ درصد را شاغلین در آموزش و پرورش و ۱۲/۵ درصد را شاغلین در وزارت بهداشت تشکیل داده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ۳۵ درصد از آنها یک فرزند، ۳۵ درصد دو فرزند و ۱۵ درصد سه فرزند دارند. از نظر تعداد فرزندان مطلوب، ۲۵ درصد از زنان داشتن یک فرزند، حدود ۶۶ درصد داشتن دو فرزند و حدود ۹ درصد داشتن بیش از دو فرزند را مطلوب دانسته‌اند. براساس تحلیل انجام شده، هیچ تفاوتی بین گروه‌های مختلف شغلی زنان و همچنین زنان غیر شاغل درباره‌ی ارزش‌گذاری فرزندان وجود ندارد. متغیر سطح تحصیلات در هر دو گروه زنان شاغل و خانه‌دار با مؤلفه‌های فواید اقتصادی فرزند و محدودیت‌ها و فرصت‌های از دست رفته رابطه‌ی مستقیم دارد.

واژگان کلیدی

ارزش‌های مثبت و منفی فرزندان، تعداد فعلی و مطلوب فرزندان، سطح باروری.

*- دکترای جمعیت‌شناسی و عضو هیئت علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه

**- کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی

۱- مقدمه و طرح مسئله

رفتارهای باروری در هر جامعه متأثر از عوامل متعددی است. عوامل اثرگذار در رفتارهای باروری را می‌توان در دو سطح کلان و خرد بررسی کرد. در سطح کلان یا عوامل زمینه‌ای، به شناخت تأثیر عوامل محیطی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در رفتار باروری پرداخته می‌شود، در حالی که در سطح خرد، تأثیر عوامل ذهنی - روانی نظیر انگیزه‌ها، آرزوها و گرایش‌های فردی در رفتار باروری بررسی می‌شود. عوامل ذهنی و روانی تحت تأثیر جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری است که خود منبعث از ساختارهای فرهنگی - اجتماعی هر جامعه است، زیرا یکی از وجوه اساسی فرهنگ، نظام ارزش‌هایی است که رفتارها و هنجارهای افراد از جمله رفتارهای خانوادگی را جهت می‌دهد. ارزش‌های خانوادگی متشکل مجموعه‌ی پیچیده‌ای از ارزش‌های در هم متداخل از جمله از ارزش‌های ازدواج، همسررداری، فرزندآوری و ... است. در این بین، ارزش‌های فرزندآوری مقوله‌ای است که می‌تواند نقش مهمی در تغییرات سطوح باروری و به دنبال آن تغییرات رشد جمعیتی یک جامعه ایفا کند. با شناخت ارزش‌ها و ایده‌آل‌های فرزندآوری، می‌توان سیاست‌ها و برنامه‌هایی را به منظور تغییر شرایط فرهنگی، بینش‌ها و نگرش‌های اجتماعی طراحی و بستر مناسبی برای تغییر رفتارهای باروری افراد فراهم کرد.

ارزش فرزندان از جمله عوامل بلافصل باروری است که اثر مستقیم در رفتارهای باروری دارد. مفهوم ارزش فرزندان مجموعه‌ی چیزهای خوبی

تحلیلی بر رابطه‌ی ارزش فرزندان و باروری بین زنان تهرانی

هستند که والدین با داشتن فرزندان دریافت می‌کنند (لوکاس و میر، ۱۳۸۴: ۹۴). ارزش فرزندان به دو دسته ارزش‌های مثبت و منفی تقسیم‌بندی می‌شوند. ارزش‌های مثبت فرزندان شامل منافع عاطفی، اقتصادی، کسب هویت، دستیابی به کمال و تداوم خانواده است و ارزش‌های منفی شامل هزینه‌های عاطفی، اقتصادی، خانوادگی، جسمانی و محدودیت‌ها و فرصت‌های از دست رفته است. ارزش‌های فرزندان، به‌عنوان مجموعه‌ای از متغیرهای مستقل در تعیین تعداد فرزندان و تصمیم‌گیری والدین، در این باره نقش بسزایی دارند. ارزش‌های فرزندان را می‌توان از بررسی‌هایی که از نگرش‌های مثبت و منفی والدین نسبت به فرزندان دارند شناسایی و ارزیابی کرد.

ارزش‌های فرزندآوری مطابق تحولات اقتصادی - اجتماعی هر جامعه تغییر می‌یابد. ارتقاء مؤلفه‌های توسعه از جمله گسترش شهرنشینی، افزایش سطح تحصیلات زنان و به دنبال آن اشتغال بیشتر آنها علاوه بر آنکه سن ازدواج را افزایش داده، میل به فرزندآوری را در بین زنان ایرانی کاهش داده است؛ لذا در دو دهه‌ی گذشته سطح باروری روند کاهشی به خود گرفته است. در این خصوص، به نظر می‌رسد انگیزه برای شاغل شدن و داشتن شغل سهم بیشتری را در تعیین سطح باروری ایفا می‌کند. میل به تحرک اجتماعی بین زنان از جمله عناصر فرهنگی جامعه‌ی جدید است که رفتارهای ازدواجی و فرزندآوری را به شدت متأثر کرده است. میل به تحرک اجتماعی در ذائقه‌ی وصف‌ناپذیر زنان برای ادامه‌ی تحصیل و شاغل شدن

انعکاس عینی یافته است.

بیشتر مطالعات نشان می‌دهند که بین اشتغال و تحصیلات زنان و باروری رابطه‌ای معکوس وجود دارد، اما در تحلیل‌ها می‌توان استنباط کرد که الگوی رابطه بین اشتغال و باروری می‌تواند بر حسب منطقه و سطوح توسعه یافتگی آن جامعه در طول زمان متفاوت باشد؛ برای مثال زنان با منزلت بالاتر و استقلال بیشتر، معمولاً سطح باروری پایین‌تری دارند (فروتن ۱۳۸۷: ۱۷۲).

همان‌گونه که اشاره شد، طی سه دهه‌ی گذشته میزان باروری کل در ایران، کاهش مستمر و اساسی داشته است، به طوری که میزان باروری کل از ۶/۹ فرزند برای هر زن در سال ۱۳۶۳ به ۱/۸ فرزند برای هر مادر در سال ۱۳۹۰ کاهش یافت (مرکز آمار ایران ۱۳۹۰). در استان‌های توسعه‌یافته‌تر این کاهش‌ها چشم‌گیرتر بوده است. به طوری که طبق تحقیقات انجام شده، میزان باروری کل برای زنان شهر تهران در سال ۱۳۸۹ به ۱/۴ فرزند برای هر مادر رسیده است (Erfani 2010).

از آنجا که شهر تهران به‌عنوان پایتخت کشور، در تعیین تغییرات اجتماعی- فرهنگی نقطه‌ی ثقل ملی است. بر اساس اصل همگرایی با مرکز، ممکن است تغییرات به‌وجود آمده در پایتخت به زودی به سایر نقاط کشور نیز تسری یافته و باروری کمتر از جانشینی و پایین به رژیم ملی باروری تبدیل شود و از نظر دموگرافیک می‌تواند در بلند مدت با برخی از نتایج منفی توأم شود.

این مقاله به دنبال مشخص کردن وضعیت ارزش فرزندان در بین گروه‌های شغلی مختلف زنان در شهر تهران و شناخت ارزش‌هایی است که آنها را به داشتن یا نداشتن فرزند ترغیب می‌کند. از سوی دیگر، درصد پاسخ‌گویی به این سؤال است که چقدر ارزش فرزندان در بین خانواده‌های تهرانی در باروری واقعی و مطلوب (ایده‌آل) زوجین اثر دارد؟ و آیا خانواده‌های ایرانی از لحاظ ارزش‌ها و نگرش‌های فرزندزایی به مرحله‌ای از تثبیت الگوی مشخص بعد خانواده رسیده‌اند یا خیر؟ از اهداف دیگر این مقاله، شناسایی رابطه‌ی ویژگی‌های فردی (سن، تحصیلات، شغل) زنان مطالعه شده با ارزش فرزندان و اثر آن در رفتار باروری است. همچنین از آنجا که بین سطح باروری موجود و مطلوب زنان تهرانی نوعی شکاف چشم‌گیر ایجاد شده است، این مقاله درصد پاسخ‌گویی به این سؤال است که این شکاف تا چه حد ناشی از تغییر مؤلفه‌های ارزش فرزندان است، آیا مؤلفه‌های منفی ارزش فرزندان بین زنان تهرانی افزایش یافته است، اگر پاسخ مثبت است، این مؤلفه‌ها متأثر از چه عواملی بوده است؟

۲- مبانی نظری و تجربی

هر یک از نظریه‌ها از دیدگاه خاصی به موضوع باروری و تحولات آن نگریده و آن را تحلیل و تبیین می‌کنند. بر اساس نظریه‌ی انتقال جمعیتی هر چقدر میزان توسعه‌یافتگی در منطقه و کشوری بالاتر باشد، انتظار می‌رود میزان باروری در آن کشور پایین‌تر باشد (Notestein 1953:13-31). نظریه‌ی

دیویس موضوع نوسازی را عامل مهمی در انتقال باروری می‌داند (Davis 1963). نظریه‌های اقتصادی، فرزندان را به‌عنوان کالایی اقتصادی می‌دانند و معتقدند که رفتار باروری خانواده‌ها تابع قانون عرضه - تقاضا و هزینه - فایده‌ی فرزندان است (Easterlin 1969:1983).

در بین نظریه‌های اقتصادی، نظریه لیبنشتاین^۱ بر این فرض استوار است که منفعت یا عدم منفعت اقتصادی فرزندان عاملی است که در تصمیم‌گیری والدین در مورد تعداد فرزندان تأثیر می‌گذارد (حسینی ۱۳۸۱). از این رو، ایجاد نوعی تعادل بین رضایت‌مندی اقتصادی و هزینه‌های نگهداری فرزند، زیربنای اصلی نگرش والدین در مورد تعداد فرزندان است. بر مبنای نظریه‌ی دیویس و بلیک عوامل مؤثر در باروری به دو دسته‌ی مستقیم (شامل سن ازدواج، درصد زنان ازدواج کرده، فراوانی و نسبت طلاق، بیوگی و ازدواج) و غیرمستقیم (از جمله عوامل محیطی، اقتصادی، اجتماعی و بیولوژیکی) تقسیم می‌شوند (لوکاس و میر ۱۳۸۴).

روان‌شناسان نیز به ارزش‌هایی که فرزندان برای والدین ایجاد می‌کنند و یا والدین ادراک می‌نمایند توجه کرده‌اند. لوئیز هافمن و مارتین هافمن^۲ یک سیستم ارزشی متشکل از نه مقوله را به‌وجود آورده‌اند که شامل هشت ارزش غیراقتصادی (نظیر کمال، جاودانگی، خوشحالی، خلاقیت) و یک سودمندی

1- Harvey Leibenstein

2- L. Hoffman and M. Haffman

تحلیلی بر رابطه‌ی ارزش فرزندان و باروری بین زنان تهرانی

اقتصادی صرف می‌شود (لوکاس و میر ۱۳۸۴: ۹۴). این نه مقوله شامل ارزش‌های عمومی مثبت (یا منافع) داشتن فرزند مانند (فواید عاطفی، اقتصادی و ...)، ارزش‌های عمومی منفی (یا هزینه‌های) داشتن فرزند مانند (هزینه‌های عاطفی، اقتصادی و ...) و ارزش‌های خانواده‌ی کوچک و بزرگ می‌باشد. بر این اساس، والدین روستایی بیشتر بر منافع اقتصادی و عملی فرزندان تأکید می‌کنند، در حالی که والدین شهری به خصوص آنهایی که تحصیلات بالایی دارند) بر جنبه‌های احساسی و روان‌شناختی داشتن فرزند تأکید دارند (همان). کسانی چون مک نیکل^۱ و گرین هال^۲ نیز معتقدند که در تبیین رفتارهای باروری باید به مجموع عوامل نهادی که در شکل‌گیری رفتارهای باروری مؤثرند، توجه نمود. تحلیل نهادی باروری تمرکز اصلی خود را بر برقراری پیوند میان بافت نهادی و رفتار باروری و به عبارت دیگر پیوند میان سطوح خرد و کلان رفتار باروری قرار می‌دهد (خانی ۱۳۸۷).

از نظر مک نیکل، رفتار باروری پیامد شرایط نهادی، الگوی‌های فرهنگی و خصیصه‌های فردی است که محدوده‌ی ادراکی را که کنشگر در آن تصمیم‌گیری می‌کند، تحت تأثیر قرار می‌دهد. او نقش دولت را از راه‌هایی چون افزایش هزینه‌های باروری، ایجاد زمینه‌های اجرایی و قانونی برای جامعه‌ی مدنی، فعالیت اقتصادی و زندگی خانوادگی، افزایش هزینه‌های

1- Geoffrey McNicoll

2-Susen Greenhalgh

فرصت و ... بر رفتار باروری مهم ارزیابی می‌کند (همان: ۱۹).

گرین هال نیز با بسط دیدگاهی درباره‌ی باروری در چین، فرض می‌گیرد که باروری، مجموعه‌ای از رفتارها یا استراتژی‌هایی است که به‌عنوان پیشرفت در سلسله مراتب از حالت امنیت به تحرک در نظر گرفته می‌شود (همان: ۲۰). پیرو تغییراتی که در کشورهای پیشرفته‌ی صنعتی - به خصوص تضعیف انتظارات و ارزش‌های جامعه و تقویت خواسته‌ها و ارزش‌های فردی (به خصوص تعویق ازدواج، بالا رفتن سن ازدواج و افزایش طلاق) - اتفاق افتاد، تغییراتی هم در نحوه‌ی فرزندآوری به‌وجود آمد (سرایی: ۱۳۸۷).

کالدول در نظریه‌ی جریان ثروت نسلی استدلال می‌کند که در فرایند توسعه، انتقال ثروت از فرزندان به والدین برعکس می‌شود. او مدعی است که آموزش عمومی به‌عنوان تعیین‌کننده‌ی اصلی شروع کاهش باروری در کشورهای در حال توسعه است. در جوامع توسعه نیافته والدین فرزندان را نیروی کار، اعتبار اجتماعی، کمک در دوران پیری و ... می‌دانند، اما در جوامع توسعه یافته به سبب همگانی شدن آموزش و حضور زنان در خارج از خانواده، افزایش هزینه‌های آموزشی و تربیتی فرزندان، افزایش اهمیت سرمایه‌گذاری روی کیفیت زندگی فرزندان، افزایش رفتارها و نگرش‌های دنیاگرایانه (سکولاریزم) و کاهش ارزش فرزندان (والدین برای فرزندان سودآور هستند)، به خصوص کاهش وابستگی والدین به فرزندان در سنین پیری به سبب وجود مقررات تأمین اجتماعی و بیمه‌ی بازنشستگی

فرزندآوری در خانواده‌ها رو به کاهش می‌نهد (Caldwell 1980: 5-30).

هافمن و همکاران پژوهشی درباره‌ی ارزش فرزندان در میان والدین آمریکایی که در سنین باروری بودند انجام داده‌اند. نتایج این تحقیق نشان داد که مدل هافمن-هافمن با برخی تغییرات می‌تواند نتایج را تفسیر کند. در ضمن گروه‌هایی با درآمد و تحصیلات کم، زنان خانه‌دار و روستاییان به فرزند اهمیت بیشتری می‌دهند (Hoffman, Thornton and Manis 1978:91-131). بررسی پوررحیم نیز نشان می‌دهد سن ازدواج با ارزش فرزند رابطه‌ی معنادار دارد. محدودیت و فرصت‌های از دست رفته مانند فرصت اشتغال، درآمد، تحصیلات بالاتر، تفریحات و ... به دلیل داشتن فرزند برای زنان بیش از مردان است و میزان تحصیلات در ارزش‌گذاری فرزند مؤثر بوده و با تعداد مطلوب فرزندان رابطه‌ی معکوس دارد (پوررحیم ۱۳۸۰).

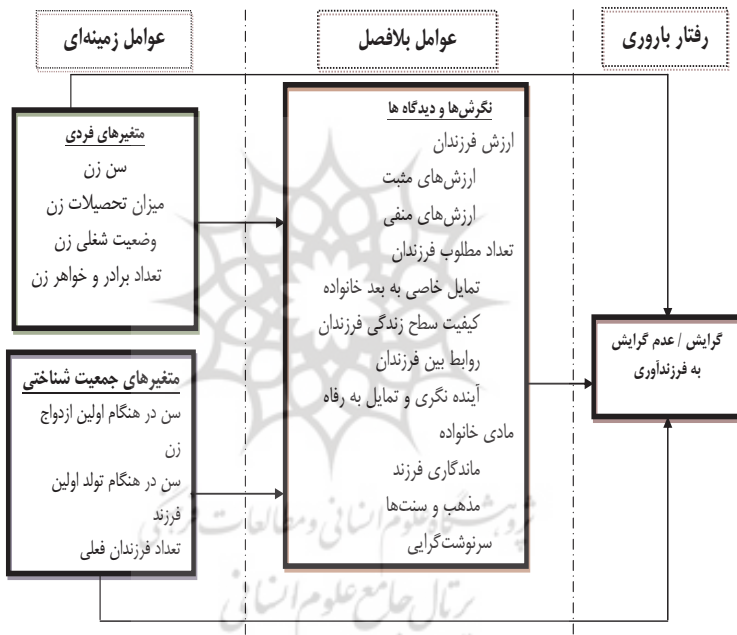
عباسی شوازی و همکاران در استان یزد نتایجی به دست آوردند که تعداد مطلوب فرزندان زنان مطالعه شده نسبت به سال‌های گذشته به دو فرزند کاهش یافته، اما با این حال خانواده‌ها اعتقادی به سیاست تک‌فرزندی نداشتند. در حال حاضر نگرش و رفتار باروری در همه‌ی گروه‌های سنی به هم نزدیک شده است و تفاوت زیادی در بین زنان جوانی که در آغاز زندگی زناشویی قرار گرفته‌اند با زنانی که به پایان دوره‌ی باروری نزدیک می‌شوند وجود ندارد (عباسی شوازی و همکاران ۱۳۸۱: ۲۰۳-۱۶۹). ایشان در تحقیق دیگری به این نتیجه رسیده‌اند که زنان امروزه نسبت به هزینه‌های

روحی- روانی و حتی هزینه‌های فرصت فرزند آگاهی داشته و معتقدند چنانچه تعداد فرزند کمتر باشد، می‌توانند برای علایق خود و تربیت بهتر فرزندان‌شان برنامه‌ریزی کنند. از جمله مهم‌ترین عواملی که در استقلال تصمیم‌گیری‌های زنان در خانواده مؤثر بوده اشتغال آنهاست (عباسی شوازی و همکاران ۱۳۸۳: ۹۹). کثیری در تحقیق خود مشاهده کرد که سطح تحصیلات زوجین، سن ازدواج، اشتغال، تعداد مطلوب فرزندان و طول مدت ازدواج زنان در تعداد فرزندان تأثیر می‌گذارد (کثیری ۱۳۸۷: ۱۵۶-۱۳۷).

نتایج بررسی عرفانی نشان می‌دهد که زنان بارور ساکن در شهر تهران در طول سال‌های باروری ۱/۵ فرزند به دنیا می‌آورند و میانگین سن باروری در شهر تهران به ۳۰ سال رسیده است (Erfani 2010). نظریه‌ها و مطالعاتی که در این بخش به اجمال به آنها پرداخته شد، هر کدام امکان بررسی وجهی از موضوع پژوهش را فراهم می‌کند؛ برای مثال، در مدل اقتصادی فقط نقش عوامل اقتصادی در نظر گرفته شده است، یا در مدل فرهنگی- اجتماعی به عواملی چون سطح تحصیلات، موقعیت شغلی، میزان درآمد، میزان شهرنشینی، گرایش‌ها و طرز تلقی افراد جامعه و در تحلیل نهادی به مجموع عوامل نهادی که در شکل‌گیری رفتارهای باروری مؤثرند، توجه شده است. با توجه به اینکه موضوع پژوهش دامنه‌ی وسیعی دارد و نظریه‌های موجود، هر کدام به تنهایی قادر به تبیین کامل آن نیستند، ناگزیر ترکیبی از نظریات و دیدگاه‌های مطرح شده به‌عنوان چارچوب نظری پژوهش برای بررسی

موضوع استفاده شده است. همان گونه که مدل پژوهش نشان می‌دهد عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و عوامل روانی، فرهنگی و اجتماعی مؤثر در ارزش فرزند مطالعه و بررسی شده است.

مدل شماره ۱: مدل تحلیلی عوامل تعیین کننده، ارزش فرزندان و فرزندآوری



فرضیات پژوهش جامعه‌ی بررسی شده، به صورت زیر در نظر گرفته شده است:

۱. ارزش فرزندان در بین گروه‌های شغلی زنان در شهر تهران متفاوت است.

۲. مؤلفه‌های مربوط به ارزش‌های مثبت فرزندان در بین گروه‌های شغلی زنان در شهر تهران متفاوت است.
۳. مؤلفه‌های مربوط به ارزش‌های منفی فرزندان در بین گروه‌های شغلی زنان در شهر تهران متفاوت است.
۴. بین مؤلفه‌های (مثبت و منفی) ارزش فرزندان و تعداد مطلوب و فعلی فرزندان رابطه وجود دارد.
۵. بین سطح تحصیلات بانوان و تعداد فرزندان والدین با تعداد مطلوب و فعلی فرزندان رابطه‌ی معکوس وجود دارد.
۶. بین دلایل مؤثر در تعیین تعداد فرزندان با تعداد فعلی و مطلوب فرزندان رابطه وجود دارد.

۳- روش‌شناسی تحقیق

داده‌های مورد نیاز با انجام مطالعه‌ی میدانی، مصاحبه‌ی حضوری و پرسش‌نامه از بین گروه‌های شغلی مختلف زنان در شهر تهران در بهمن سال ۱۳۸۹ گردآوری شده است. روش گردآوری پیمایشی بوده است. در پژوهش حاضر، تعداد جامعه‌ی آماری ۲۱۰۱۷ نفر از کلیه‌ی زنان متأهل ۲۱ تا ۵۰ ساله ساکن مناطق ۲۲ گانه شهر تهران می باشد که از این تعداد ۱۲۶۱۰ نفر زنان خانه‌دار، ۶۸۱۰ نفر زنان شاغل در وزارت آموزش و پرورش و ۱۵۹۷ نفر زنان شاغل در وزارت بهداشت هستند.

حجم نمونه برابر ۶۰۰ نفر می‌باشد. تعداد ۳۲۹ نمونه از زنان خانه‌دار، ۱۷۴ نمونه از کارکنان شاغل در آموزش و پرورش و ۷۲ نمونه از کارکنان شاغل در وزارت بهداشت و درمان گرفته شد. برای انتخاب نمونه‌های زنان خانه‌دار از شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای سه مرحله‌ی استفاده شد. در مرحله اول از بین مناطق ۲۲ گانه‌ی شهر تهران سه منطقه به طور تصادفی (مناطق ۱۱، ۵، ۷) و در مرحله‌ی دوم از هر منطقه تعدادی بلوک به تصادف و در مرحله‌ی سوم تعدادی از خانوارها به روش نمونه‌گیری سیستماتیک، انتخاب شدند و در صورت وجود زن خانه‌دار در واحد مسکونی انتخاب شده با وی مصاحبه شد.

در بخش دوم جامعه‌ی آماری یعنی وزارت بهداشت و درمان، با مراجعه به سه بیمارستان آموزشی و درمانی، تعدادی از کارکنان بیمارستان‌ها را که در بخش‌های مختلف اشتغال داشتند را بر اساس شیوه‌ی نمونه‌گیری در دسترس (اتفاقی) به‌عنوان عضوی از نمونه انتخاب شدند. برای انتخاب اعضای نمونه از شاغلین در آموزش و پرورش با مراجعه به پنج اداره‌ی آموزش و پرورش در پنج ناحیه‌ی شهر تهران و همچنین ده آموزشگاه مستقر در این نواحی، تعدادی از کارکنان زن متأهل شاغل در این ادارات و آموزشگاه‌ها بر حسب تصادف و اتفاق انتخاب شدند. بعد از جمع‌آوری و کدگذاری پرسش‌نامه‌ها، داده‌ها وارد نرم‌افزار آماری SPSS شد و با استفاده از فنون و روش‌های آماری تجزیه و تحلیل گردید.

۴- یافته‌های تحقیق

در این تحقیق، میانگین سن بانوان ۳۸/۶ سال به دست آمده و ۹۵ درصد آنها همسر داشتند. مدرک تحصیلی بیشتر بانوان لیسانس بوده و بسیاری از آنها در رشته‌های علوم انسانی تحصیل کرده بودند. همچنین ۵۷/۲ درصد بانوان را خانه‌دارها، ۳۰/۳ درصد را شاغلین در آموزش و پرورش و ۱۲/۵ درصد را شاغلین در وزارت بهداشت تشکیل داده‌اند.

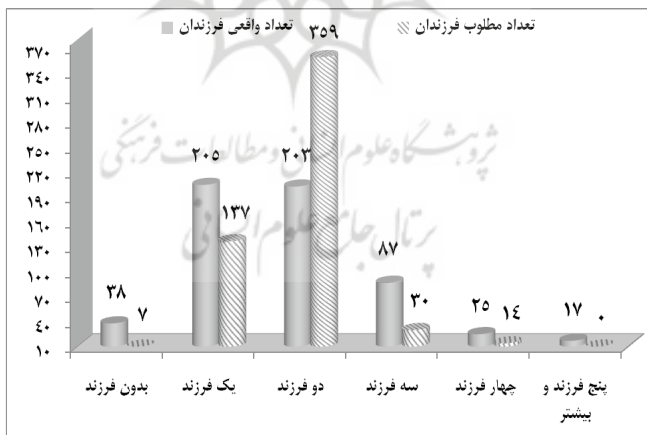
جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که ۶/۶ درصد از خانواده‌های بررسی شده بدون فرزند، ۳۵/۷ درصد صاحب یک فرزند، ۳۵/۳ درصد صاحب دو فرزند و ۱۵/۱ درصد صاحب سه فرزند بودند. به عبارت دیگر حدود ۹۳ درصد خانوارهای بررسی شده حداکثر سه فرزند داشته و حدود ۷ درصد خانواده‌های بررسی شده به نسبت پرجمعیت هستند.

بررسی نگرش زنان در تعداد فرزندان مطلوب نشان می‌دهد که، ۱/۳ درصد از بانوان بررسی شده بی‌فرزندی، ۲۵ درصد یک فرزند، ۶۵/۶ درصد دو فرزند، ۵/۵ درصد سه فرزند و ۲/۶ درصد چهار فرزند را مطلوب دانسته‌اند. مقایسه درصدهای دو فرزند موجود و مطلوب نشان می‌دهد که بین آنها ۳۰ درصد اختلاف وجود دارد، این بدین معناست که در صورت مهیا شدن شرایط احتمال اینکه افراد تک فرزند به طرف دو فرزند میل کنند بسیار زیاد است.

جدول ۱: توزیع فراوانی تعداد واقعی و مطلوب فرزندان بانوان

تعداد فرزندان واقعی	فراوانی	درصد فراوانی معتبر	تعداد مطلوب فرزندان	فراوانی	درصد فراوانی معتبر
بدون فرزند	۳۸	۶/۶	بدون فرزند	۷	۱/۳
یک فرزند	۲۰۵	۳۵/۷	یک فرزند	۱۳۷	۲۵/۰
دو فرزند	۲۰۳	۳۵/۳	دو فرزند	۳۵۹	۶۵/۶
سه فرزند	۸۷	۱۵/۱	سه فرزند	۳۰	۵/۵
چهار فرزند	۲۵	۴/۳	چهار فرزند	۱۴	۲/۶
پنج فرزند و بیشتر	۱۷	۲/۹	پنج فرزند و بیشتر	-	-
مجموع	۵۷۵	۱۰۰	مجموع	۵۴۷	۱۰۰

نمودار ۱: مقایسه‌ی توزیع درصد فراوانی تعداد واقعی و مطلوب فرزندان از دید بانوان



جدول شماره ۲ نتایج آزمون فرضیه‌ی (۱) را نشان می‌دهد: ارزش فرزندان بین گروه‌های شغلی مختلف بانوان تهرانی یکسان است. یعنی آنها بدون توجه به شغل‌شان به‌طور یکسان فرزندان را ارزش‌گذاری می‌کنند.

جدول ۲: نتایج آزمون آنالیز واریانس یک راهه در خصوص آزمون یکسان بودن ارزش فرزندان بین بانوان

منبع تغییرات	آماره آزمون F	سطح معنی‌داری
ارزش‌های مثبت داشتن فرزند	۲/۴۴۵	/۰۸۸۰
ارزش‌های منفی داشتن فرزند	۲/۴۴۲	/۰۸۸۰

نتایج نشان می‌دهد هیچ تفاوتی بین گروه‌های مختلف زنان اعم از شاغل و غیر شاغل در ارزش‌گذاری فرزندان وجود ندارد. یعنی زنان خانه‌دار و شاغل (در آموزش و پرورش و وزارت بهداشت) در مورد فرزندان ارزش‌گذاری یکسان می‌کنند. سؤالی که در ادامه‌ی فرضیه‌ی اساسی فرضیه‌های ۲ و ۳ مطرح می‌شود این است که آیا مؤلفه‌های مربوط به ارزش‌های مثبت و منفی داشتن فرزند، بین گروه‌های مختلف زنان برابر است یا خیر؟

نتایج آزمون آنالیز واریانس یک راهه در جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که فواید اقتصادی و فواید عاطفی داشتن فرزند بین گروه‌های مختلف زنان متفاوت است، اما سایر مؤلفه‌های مربوط به ارزش مثبت داشتن فرزند (تکامل و توسعه‌ی خود، کسب هویت از فرزند، پیوستگی و تداوم خانواده) اهمیت یکسانی بین گروه‌های مختلف بانوان دارد. همچنین تنها در مؤلفه‌ی

محدودیت‌ها و فرصت‌های از دست رفته بین گروه‌های مختلف زنان تفاوت وجود دارد، اما سایر مؤلفه‌های مربوط به ارزش منفی داشتن فرزند (هزینه‌های عاطفی، هزینه‌های اقتصادی، هزینه‌های خانوادگی، هزینه‌های جسمانی) اهمیت یکسانی بین گروه‌های مختلف بانوان دارد.

جدول ۳: آزمون یکسان بودن بین مؤلفه‌های ارزش‌های مثبت و منفی فرزندان بین بانوان

مؤلفه‌های مثبت	فواید عاطفی	فواید اقتصادی	توسعه و تکامل خود	کسب هویت	پیوستگی و تداوم خانواده
آماره‌ی آزمون F	۳/۳۸۲	۴/۵۵۸	۱/۳۳۷	۰/۲۹۷	۰/۷۰۳
سطح معنی‌داری	/۰۳۵	/۰۱۱	۰/۲۶۳	۰/۷۴۳	۰/۴۹۶
مؤلفه‌های منفی	هزینه‌ی عاطفی	هزینه‌ی اقتصادی	هزینه‌ی خانوادگی	هزینه‌ی جسمانی	محدودیت‌ها و فرصت‌های از دست رفته
آماره‌ی آزمون F	۱/۵۸۵	۲/۰۲۳	۲/۵۸۹	۱/۳۷۲	۳/۲۸۲
سطح معنی‌داری	۰/۲۰۶	۰/۱۳۳	۰/۰۷۶	۰/۲۵۵	۰/۰۳۸

یافته‌های پژوهش در جدول شماره‌ی ۴ نتایج آزمون فرضیه‌ی (۴) را نشان می‌دهد، چنان‌که ملاحظه می‌شود تعداد فرزندان فعلی با فواید اقتصادی، پیوستگی و تداوم خانواده و کل ارزش‌های مثبت فرزندان رابطه دارد. همچنین تعداد مطلوب فرزندان بانوان با تمامی مؤلفه‌های ارزش مثبت فرزندان رابطه معنادار مثبت دارد و نیز تعداد فرزندان فعلی با هزینه‌های خانوادگی و محدودیت‌ها و فرصت‌های از دست رفته رابطه‌ی معنادار

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده

معکوسی دارد. دیگر اینکه تعداد مطلوب فرزندان بانوان با تمامی مؤلفه‌های ارزش منفی فرزندان رابطه‌ی معنادار معکوس دارد.

جدول ۴: ضریب همبستگی اسپیرمن بین ارزش‌های مثبت و منفی و تعداد فعلی و مطلوب

فرزندان

مؤلفه‌های مثبت	فواید عاطفی	فواید اقتصادی	توسعه و تکامل خود	کسب هویت	پیوستگی و تداوم خانواده	کل ارزش‌های مثبت
تعداد فعلی فرزندان	۰/۰۵۷*	۰/۱۴۵**	۰/۰۶۹*	۰/۰۴۳*	۰/۰۹۳*	۰/۱۲۵*
تعداد مطلوب فرزندان	۰/۱۳۳*	۰/۰۸۶*	۰/۱۴۰**	۰/۱۲۷**	۰/۱۲۰**	۰/۱۵۴**
مؤلفه‌های منفی	هزینه‌ی عاطفی	هزینه‌ی اقتصادی	هزینه‌ی خانوادگی	هزینه‌ی جسمانی	محدودیت‌ها و فرصت‌های از دست رفته	کل ارزش‌های منفی
تعداد فعلی فرزندان	-۰/۰۳۵*	-۰/۰۵۱*	-۰/۰۸۳*	-۰/۰۱۹*	-۰/۰۹۴*	۰/۰۶۵*
تعداد مطلوب فرزندان	-۰/۲۱۷**	-۰/۲۷۹**	-۰/۲۲۸**	-۰/۲۳۹**	-۰/۱۶۳**	-۰/۲۶۷**

** سطح معنی‌داری در سطح آلفا ۰/۰۵ * سطح معنی‌داری در سطح آلفا ۰/۰۱

نتایج آزمون فرضیه‌ی ۵ در جدول شماره‌ی ۵ نشان می‌دهد که بین سطح تحصیلات بانوان با تعداد فرزندان فعلی و مطلوب آنها رابطه‌ی معنادار و معکوس وجود دارد. به عبارتی هر چه سطح تحصیلات آنها بیشتر باشد، تعداد فعلی و مطلوب فرزندان آنها کمتر خواهد بود. بسیاری از تحقیقات اخیر نشان داده‌اند که یکی از تعیین‌کننده‌های اصلی سطح باروری سطح تحصیلات است که این پژوهش هم آن را تأیید می‌کند. همچنین بین

تحلیلی بر رابطه‌ی ارزش فرزندان و باروری بین زنان تهرانی

تعداد فرزندان والدین بانوان و تعداد فرزندان فعلی و مطلوب آنها رابطه‌ی معناداری وجود دارد و بانوانی که در خانواده‌های پراولاد به دنیا آمده‌اند، تمایل بیشتری به فرزندآوری نشان می‌دهند و تعداد فرزندان فعلی آنها بیشتر است، ولی بانوانی که در خانواده‌های کم‌اولاد به دنیا آمده‌اند، تمایل کمتری به فرزندآوری دارند، یعنی تعداد فرزندان فعلی آنها کمتر است.

جدول ۵: نتایج آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن بین سطح تحصیلات و تعداد فرزندان والدین با تعداد فعلی و مطلوب فرزندان

متغیر وابسته	متغیر مستقل	تعداد فرزندان والدین	سطح تحصیلات بانوان
تعداد فعلی فرزندان		۰/۲۹۲**	-۰/۴۳۷**
تعداد مطلوب فرزندان		۰/۲۱۶**	-۰/۱۳۹**

*سطح معنی‌داری در سطح آلفا ۰/۰۵ **سطح معنی‌داری در سطح آلفا ۰/۰۱

به منظور آزمون فرضیه‌ی ۶ مبنی بر «بین دلایل مؤثر در تعیین تعداد فرزندان با تعداد فعلی و مطلوب فرزندان رابطه وجود دارد» از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد و نتایج در جدول شماره ۶ نشان می‌دهد که بین تعداد مطلوب فرزندان با کیفیت زندگی فرزندان و رفاه مادی و آینده‌نگری رابطه‌ی معکوس و با سایر مؤلفه‌ها رابطه‌ی معنادار مثبت وجود دارد. همچنین بین تعداد فعلی فرزندان با کیفیت زندگی فرزندان و رفاه مادی و آینده‌نگری رابطه‌ی معکوس و با مذهب و سنن و سرنوشت‌گرایی رابطه‌ی معنادار مثبت وجود دارد.

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده

جدول ۶: نتایج آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن در خصوص رابطه بین تعداد فعلی و مطلوب فرزندان با دلایل داشتن فرزند

متغیر مستقل / متغیر وابسته	بعد خانواده	کیفیت زندگی فرزندان	روابط بین فرزندان	رفاه مادی و آینده‌نگری	ماندگاری فرزندان	مذهب و سنت	سرنوشت گرایی
تعداد مطلوب فرزندان	۰/۱۲۲**	-۰/۲۰۷**	۰/۳۹۷**	-۰/۲۴۳**	۰/۱۶۴**	۰/۱۲۷**	۰/۱۱۴**
تعداد فعلی فرزندان	۰/۰۰۰*	-۰/۰۹۳*	۰/۰۴۴*	-۰/۰۸۲*	۰/۰۵۶*	۰/۰۹۹*	۰/۱۱۰**

**سطح معنی داری در سطح آلفا ۰/۰۵ / *سطح معنی داری در سطح آلفا ۰/۰۱

سؤال مطرح در این قسمت این است که آیا بین سطح سن و تحصیلات و سن ازدواج مادران (شاغل و خانه‌دار) با ارزش‌های مثبت و منفی داشتن فرزند رابطه‌ی معناداری وجود دارد؟ مقادیر ضریب همبستگی سه مؤلفه‌ی مهم سن مادر، سن ازدواج و سطح تحصیلات با ارزش‌های مثبت و منفی فرزندان در جدول شماره ۷ نشان می‌دهد که سطح تحصیلات در هر دو گروه زنان شاغل و خانه‌دار با ارزش‌های مثبت فرزندان رابطه‌ی معکوس داشته، اما با ارزش‌های منفی فرزندان رابطه‌ی مثبت دارد. سن ازدواج زنان خانه‌دار با کسب هویت رابطه‌ی معکوس و با محدودیت‌ها و فرصت‌های از دست رفته رابطه‌ی مستقیم دارد، ولی سن ازدواج زنان شاغل فقط با فواید اقتصادی رابطه‌ی غیرمستقیم دارد. در خصوص رابطه‌ی سن مادران با ارزش‌های مثبت و منفی فقط زنان شاغل با محدودیت‌ها و فرصت‌های از

دست رفته رابطه‌ی معکوس دارد.

جدول ۷: نتایج آزمون ضریب همبستگی (اسپیرمن) ارزش‌های مثبت و منفی فرزندان با

سن، سن ازدواج و تحصیلات

سطح تحصیلات		سن		سن ازدواج		متغیر مستقل
شاغل	خانه دار	شاغل	خانه دار	زنان شاغل	خانه دار	متغیر وابسته
-۰/۱۰	-۰/۰۲	-۰/۰۷	-۰/۰۳	-۰/۰۶	-۰/۰۹	فواید عاطفی
-۰/۲۱	-۰/۲۲	۰/۱۱	۰/۰۹	-۰/۱۴	-۰/۰۷	فواید اقتصادی
۰/۰۴	-۰/۰۱	۰/۰۴	-۰/۰۱	۰/۰۳	-۰/۰۷	توسعه و تکامل خود
-۰/۰۱	-۰/۰۶	-۰/۰۱	-۰/۰۸	۰/۰۱	-۰/۱۲	کسب هویت
-۰/۰۵	-۰/۰۲	-۰/۰۲	-۰/۰۶	۰/۰۷	-۰/۰۷	پیوستگی و تداوم خانواده
-۰/۰۹	-۰/۰۹	۰/۰۱	۰/۰۰	-۰/۰۵	-۰/۱۰	کل ارزش‌های مثبت
۰/۰۴	۰/۰۱	۰/۰۳	۰/۰۵	-۰/۰۲	-۰/۰۴	هزینه‌ی عاطفی
۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۸	۰/۰۲	-۰/۰۵	۰/۰۷	هزینه‌ی اقتصادی
۰/۰۶	۰/۰۸	-۰/۰۵	-۰/۰۴	۰/۰۵	۰/۰۷	هزینه‌ی خانوادگی
۰/۱۲	۰/۰۸	۰/۰۵	-۰/۰۲	۰/۰۴	۰/۰۵	هزینه‌ی جسمانی
۰/۱۸	۰/۱۲	-۰/۱۳	-۰/۰۵	۰/۰۳	۰/۱۴	فرصت‌های از دست رفته
۰/۱۰	۰/۰۸	-۰/۰۱	-۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۶	کل ارزش‌های منفی

۵- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این مقاله به بررسی و تحلیل رابطه‌ی ارزش فرزندان و باروری در بین زنان تهرانی می‌پردازد. مطالعات انجام شده در ایران و کشورهای مختلف نشان می‌دهند که ارزش فرزندان به زمینه‌های اقتصادی - اجتماعی زنان بستگی دارد. ارزش‌های فرزندآوری به عواملی چون نوع شغل، سطح تحصیلات، پایگاه اجتماعی زنان، نگرش‌ها و اعتقادات دینی و... بستگی دارد.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که ۲۵ درصد از زنان، الگوی خانواده‌ی تک فرزند و نزدیک به ۶۶ درصد الگوی خانواده‌ی دو فرزند را مطلوب دانسته‌اند، یعنی نزدیک به ۹۱ درصد زنان دو و یک فرزند و فقط ۹ درصد بیش از دو فرزند را مطلوب دانسته‌اند. این امر نشانه‌ای از تثبیت الگوی مشخصی از بعد خانواده‌های شهری را مشخص می‌کند. یعنی داشتن دو فرزند از ایده‌آل‌های خانواده‌های امروزی است که البته به سمت تک فرزندی پیش می‌رود.

نتایج آنالیز واریانس ارزش فرزندان بر حسب گروه‌های شغلی بانوان نشان می‌دهد که ارزش فرزندان بین گروه‌های مختلف شغلی بانوان تهرانی یکسان است، یعنی آنها بدون توجه به شغل‌شان به‌طور یکسان فرزندان را ارزش‌گذاری می‌کنند. همچنین ارزش‌های منفی فرزندان، بیشتر در افرادی دیده می‌شود که سطح تحصیلات بالاتری دارند، یعنی زنان تحصیل‌کرده

مخالف تعداد زیاد بچه در خانواده هستند. در بررسی وجود رابطه بین دلایل داشتن فرزند با تعداد فعلی و مطلوب فرزندان مشخص شد که تعداد فعلی و مطلوب فرزندان با کیفیت زندگی فرزندان و رفاه مادی و آینده‌نگری رابطه‌ی معکوس دارد، یعنی هر چقدر خانواده‌ها به کیفیت زندگی، رفاه مادی و آینده فرزندان اهمیت بیشتری می‌دهند، تمایل برای فرزندآوری در آنها کاهش می‌یابد.

این نتایج نشان می‌دهد که با افزایش سطح تحصیلات بانوان، تعداد فعلی و مطلوب فرزندان آنها نیز کمتر می‌شود. همچنین بانوانی که در خانواده‌های پرجمعیت‌تر به دنیا آمده‌اند، به داشتن فرزندان بیشتری تمایل دارند. مقایسه‌ی زنان خانه‌دار و شاغل از نظر ارزش‌های مثبت و منفی داشتن فرزند نشان می‌دهد که سطح تحصیلات هر دو گروه با فواید اقتصادی فرزندان رابطه دارد، ولی بین سن زنان شاغل و خانه‌دار با ارزش‌های مثبت داشتن فرزند تفاوت معناداری مشاهده نشد. همچنین سطح تحصیلات هر دو گروه زنان شاغل و خانه‌دار با محدودیت‌ها و فرصت‌های از دست رفته رابطه‌ی مستقیم و میزان سن زنان شاغل با محدودیت‌ها و فرصت‌های از دست رفته رابطه معکوسی به میزان ۰/۱۳ دارد. در ضمن سن ازدواج زنان خانه‌دار با کسب هویت رابطه‌ی معکوس و سن ازدواج زنان شاغل با فواید اقتصادی رابطه‌ی معکوسی به میزان ۰/۱۴ دارد. سن ازدواج زنان خانه‌دار با محدودیت‌ها و فرصت‌های از دست رفته رابطه‌ی معنادار دارد.

نتایج به دست آمده حاکی است، هر چقدر ارزش‌های مثبت وجود فرزند و نگرش مثبت به فرزند در خانواده بیشتر باشد، تمایل به فرزندآوری نیز بیشتر خواهد شد که خود تابعی از عوامل زمینه‌ای اجتماعی است. برعکس، هر چقدر ارزش‌های منفی وجود فرزند و نگرش‌های منفی به فرزند در خانواده بیشتر باشد، تمایل به فرزندآوری نیز کمتر خواهد شد که این تمایلات نیز تابعی از عوامل اجتماعی است - که خود نیازمند پژوهشی دیگر است؛ لذا می‌توان نتیجه‌گرفت که با تقویت ارزش‌های مثبت فرزندان و تضعیف ارزش‌گذاری منفی فرزندان می‌توان تا حدود زیادی شکاف بین فرزندان موجود و مطلوب را پر کرد.

راه‌کارهایی که به نظر می‌رسد در این باره مؤثر و مفید باشند، به شرح ذیل است:

الف) تقویت ارزش‌های مثبت فرزندان از طریق برنامه‌های فرهنگی، آموزشی و رسانه‌ای؛ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ب) توسعه‌ی نگرش زنان در زمینه‌ی نقش و کارکرد مثبت فرزندان در توسعه، تکامل و خودشکوفایی مادران، کسب هویت جدید خانوادگی و تقویت بنیان خانواده (از جمله ایفای نقش مادری و تقویت عشق به خانواده)، پیوستگی و التزام به خانواده از طریق زایش و پرورش فرزندان در محیط امن و گرم خانواده؛

ج) کاهش بار منفی ارزش‌های فرزندان، یا به عبارتی کاهش هزینه‌های عاطفی، اقتصادی، جسمانی و فرصت‌های از دست رفته از طریق کاهش تعارضات نقشی زنان (یعنی کاهش تضاد و تعارضات بین نقش مادری و نقش‌های شغلی)؛

د) تقویت روحیه‌ی همکاری و تعاون در بین مردان در محیط خانواده و به‌ویژه همکاری جدی در تربیت و پرورش فرزندان جهت کاهش بار وظایف و مسئولیت‌های مادران شاغل.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ◀ آقاجانیان، اکبر. ۱۳۶۴، ارزش کودکان و رشد خانواده در شهر و روستا، شیراز، دانشگاه شیراز، بخش برنامه‌ریزی و جامعه‌شناسی.
- ◀ پوررحیم، محمدرضا، ارزش فرزند از دیدگاه زوجین جوان و رابطه آن با باروری و تنظیم خانواده (مطالعه موردی شهرستان بهشهر)، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران (۱۳۸۰)).
- ◀ توسلی، غلامعباس ۱۳۸۰. نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، سمت.
- ◀ حسینی، حاتم ۱۳۸۱. درآمدی بر جمعیت‌شناسی اقتصادی-اجتماعی و تنظیم خانواده، همدان، دانشگاه بوعلی سینا.
- ◀ خانی، سعید. عوامل نهادی مؤثر بر تفاوت باروری گروه‌های قومی و مذهبی در شهرستان قروه، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران) (۱۳۸۷).
- ◀ زنجانی، حسن ۱۳۸۴. تحلیل جمعیت‌شناختی، تهران، سمت.
- ◀ سرایی، حسن. «گذار جمعیتی دوم با نیم‌نگاهی به ایران»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ش ۶، (۱۳۸۷).
- ◀ عباسی شوازی، محمد جلال و دیگران. «بررسی دیدگاه زنان در مورد رفتارهای باروری در استان یزد با استفاده از روش‌های کیفی»، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۰، (۱۳۸۱).
- ◀ عباسی شوازی، محمد جلال، میمنت حسینی چاووشی، و بیترو مک دونالد و بهرام دلاور، ۱۳۸۳. بررسی تحولات باروری در ایران، شواهدی از چهار استان منتخب، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، تهران.
- ◀ عباسی شوازی، محمد جلال و عسگری ندوشن، عباس، «تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران (مطالعه موردی استان یزد)»، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۵، (۱۳۸۴).
- ◀ عزیزخانی، عبدالله، ارزش فرزند و بعد خانواده در روستا (مطالعه موردی شش روستا در جنوب ابهر)، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران)

تحلیلی بر رابطه‌ی ارزش فرزندان و باروری بین زنان تهرانی

(۱۳۷۴).

◀ فروتن، یعقوب. «رهیافتی جمعیتی شناختی به اشتغال زنان: با ملاحظاتی بر وضعیت ایران»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال ۳، ش ۶، (۱۳۸۷).

◀ کتیری، محمد. عوامل اجتماعی، فرهنگی و جمعیتی مؤثر بر باروری (مطالعه موردی: زنان ۱۵-۴۹ ساله همسر دار شهر ورامین)، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران)، (۱۳۸۷).

◀ کلانتری، صمد. بیک محمدی، حسن و زارع شاه آبادی، اکبر «عوامل جمعیتی مؤثر بر باروری زنان یزد در سال ۱۳۸۳»، پژوهش زنان، دوره ۳، ش ۲، (۱۳۸۴).

◀ لوکاس، دیوید و پاول. میر، ۱۳۸۴. درآمدی بر مطالعات جمعیتی، ترجمه‌ی حسین محمودیان، تهران، دانشگاه تهران.

◀ مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵. نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن، تهران، مرکز آمار ایران.

◀ منصوریان، محمدکریم و اعظم خوشنویس، «ترجیحات جنسی و گرایش زنان همسر دار به رفتار باروری: مطالعه موردی شهر تهران»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره ۲۴، ش ۲ (پیاپی ۴۷)، ویژه‌نامه جمعیت و توسعه، (۱۳۸۵).

➤ Abbasi-Shayazi, M.J., and McDonald. P., (2006). "Fertility Declines in the Islamic Republic of Iran": 1972_2000, *Asian Population Studies*, Vol. 2, No. 2: 3.

➤ Caldwell. J. (1982). *Theory of fertility decline*. Academic press, London.

➤ Cleland, J. and Wilson, C. (1987). Demand theories of fertility transition: an iconoclastic view, *population studies*.

➤ Davis, K. (1963). *The theory of change and response in modern demographic history*, population index, 29.

- Easterlin, R.A. (1969). *Towards a socioeconomic theory of fertility*, in fertility and family planning: A world view, (Ed.).
- Easterlin, R.A. (1983). *Modernization and fertility: a critical essay*, in determinants of fertility in developing countries, (Eds). New York: Academic Press.
- Erfani, Amir, (2010). *Tehran Survey of Fertility*, Tehran, the Population Studies and Research Center in Asia and Pacific (PSRC).
- Hoffman, L.W., A. Thornton, and J. Dm, Manis, (1978). “*The Value of Children to Parents in the United States*”, *Journal of Population*, Vol. 1(2.)
- Mohammad, I, T & Soroush, M, (2007). “*The Value of Children to Iranian Parents*”, *Sociation Today, The Official Journal of The North Carolina Sociological Association*, Vol 5, N, 1,
- Notestein, F. (1953). *Economic problems of population change*, in proceedings of the eighth international conference of agricultural economists. London: Oxford university press.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی